

## پرسمان محرم

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا بهروز\*

### اشاره

امروزه شبهات و سؤالات فراوانی درباره آموزه‌های دینی مطرح است. از جمله وظایف عالمان دینی این است که در این باره کاوش کرده، به پاسخ‌گویی این شبهات پردازند؛ همان‌گونه که در تاریخ حیات تشیع نیز یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عالمان دینی پاسخ به سؤالات و شبهات دینی بوده و آثاری نیز در این حوزه تدوین شده است. در عصر ما با توجه به پیشرفت فناوری و ترویج فضای مجازی، شبهات دینی رو به گسترش است. شایسته است که در این زمینه اقدام‌های جدی‌ای انجام پذیرد. در این مقاله، به پاسخ به چند شبهه درباره قیام امام حسین علیه السلام پرداخته شده است.

پرسش ۱: با توجه به ساده‌زیستی امامان معصوم (ع)، ساخت

حرم‌های پر هزینه برای ایشان چه توجیهی دارد؟

پاسخ: در پاسخ به این سؤال توجه به چند نکته، بایسته است:

---

\* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

(الف) تعمیر، آبادانی و بازسازی حرم‌ها اهداف و بار معنوی دارد؛ البته با پول شخصی مردم ساخته می‌شود. اگر کسانی اعتقادی به این امور ندارند، بلکه بغضی هم نسبت به آن‌ها دارند و در ضمن به دنیا، زندگی خود و جامعه فقط از جنبه اقتصادی نگاه می‌کنند و در این نگاه نیز هیچ هزینه‌ای به چشمشان گزاف نمی‌آید، نمی‌توانند خود را قیم دیگران قلمداد کنند و برای آنان تعیین کنند که اموالشان را در چه راهی - در این مورد صرف آبادانی حرم یا مسجدی - هزینه کنند.

(ب) البته شکی نیست که اعتراض‌کنندگان و شبهه‌افکنان در این موضوع، حتی نگاه اقتصادی نیز ندارند؛ وگرنه نه تنها موضع‌گیری نمی‌کردند، بلکه آن را تشویق و حمایت نیز می‌کردند؛ چراکه حرم‌ها سبب گردش و رونق اقتصادی کلان نیز می‌شوند.

(ج) به هیچ وجه نباید نگاهی صرفاً اقتصادی به این موضوع داشته باشیم. جهان‌بینی کسانی که به این اشکالات دامن می‌زنند، به نیازها و لذات مادی بشر محدود است و گمان می‌کنند که می‌توانند از چنین منظری علیه باورهای دیگران احتجاج کنند. باید به ایشان یادآوری کرد که در هر کشوری جاذبه‌های معنوی و مادی بسیاری وجود دارد که ضمن بار فرهنگی، باعث کسب درآمد و رونق اقتصادی نیز می‌شوند؛ وگرنه هیچ حکومت و دولت مادی‌گرا هزینه‌ای برای ساخت و سازها و انواع تولیدات نمی‌کردند، چه رسد به آبادانی مراکز جذب گردشگر زیارتی یا سیاحتی؛ و همه پولشان را صرف خرید خوراک و نیازهای پایه می‌کردند.

(د) مراکز جذب، چه زیارتی باشند و چه سیاحتی، سبب آبادانی و رونق اقتصادی منطقه و کشور می‌شوند. واتیکان به دلیل وجود مزار سن پتر که گفته

می‌شود یکی از حواریون (جان‌شینان حضرت مسیح) است، آباد شد. در طول قرن‌ها میلیاردها دلار صرف ساخت‌وساز آن محل شده است. در مقابل، وایتکان و ایتالیا را مرکز توجه و جذب مسیحیان کرده است و سالانه میلیاردها دلار درآمدزایی دارد. همچنین است کلیسای نتردام در هلند؛ کلیسای دام در شهر کلن آلمان؛ یا ده‌ها کلیسا و عبادتگاه دیگر.

بت پرستان نیز میلیاردها دلار صرف آبادانی بتکده‌های خود می‌کنند. همین کسانی که مرتب جو سازی می‌کنند که چرا حرم‌ها ساخته و آباد می‌شوند و چرا مردم پولشان را هزینه آبادانی چنین اماکنی می‌کنند، اگر امکانی به دست آورند، به مالزی (که به ظاهر اسلامی است، ولی اغلب جاذبه‌هایش، نمادهای کفر و بت پرستی می‌باشد) سفر می‌کنند؛ فرزندان خود را برای تحصیل به آن‌جا می‌فرستند؛ ثروشان را این‌گونه خرج می‌کنند، عکس و فیلم تهیه شده را با افتخار به دیگران نشان می‌دهند و اصلاً به فکر این همه فقیر و گرسنه نیز نمی‌افتند. آیا آگهی‌های تور مالزی و این همه آژانس مسافرتی، به دلیل استقبال گسترده برای زیارت مالزی، آنتالیا، لندن، پاریس و ... نیست؟!

برج ایفل چیزی نیست جز سازه‌ای از پاره‌آهن‌ها؛ و این گروه، هزینه‌های کلانی می‌کند تا به دیدن این سازه بروند. هزینه چراغانی برج ایفل در شب کریسمس، به مراتب گران‌تر از هزینه گنبد طلا یا ضریح منقش حرم‌ها است. با این حال، برج ایفل، درآمدهای کلانی نیز به بار می‌آورد و بار فرهنگی و معنوی نیز برای فرانسویان دارد. پاریس با برخورداری از سالانه شش میلیون بازدیدکننده برج ایفل و آبادانی‌هایی که برای آن انجام گرفته (مثل موزه‌ها، فروشگاه‌ها، و هتل‌ها)، همه ساله در صدر شهرهای گردشگری جهان قرار دارد.

مشهد مقدس فقط در ۱۵ روز تعطیلات عید نوروز حدود ۴ تا ۵ میلیون زائر

دارد. همین تعداد در ایام دیگری چون رجب، شب‌های قدر، سالروز میلاد و شهادت و ...، به این شهر سفر می‌کنند. حرم‌های امام رضا علیه‌السلام در مشهد، امام حسین علیه‌السلام و حضرت عباس علیه‌السلام در کربلا، یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف و ...، هر یک سالانه بیش از ۵۰ میلیون نفر زائر را به خود جذب می‌کنند. تمامی سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت هواپیمایی، هتل‌سازی، جاده‌سازی، شرکت‌های اتوبوسرانی یا راه‌آهن، فروشگاه‌ها، رستوران‌ها ... و حتی رونق کار دست‌فروش‌ها، همه به سبب همین حرم‌ها و آبادانی آن‌هاست. این یعنی جذب درآمد و رونق اقتصادی و البته همراه با بار معنوی و فرهنگی که اگر اسلامی باشد، به مراتب بیشتر به نفع فقرا تمام می‌شود.

به طور قطع اگر حرم امام رضا علیه‌السلام نبود و آباد نمی‌شد، چنان‌که امروزه از مرو جز نامی در تاریخ باقی نمانده، از مشهد نیز اثری باقی نمی‌ماند و هرگز حتی به اندازهٔ قوچان یا سبزوار نیز آباد نمی‌شد. آیا جز این است که آبادانی و رونق اقتصادی مکه، مدینه، نجف، کربلا و ...، همه برای آبادانی همین حرم‌های مقدس است؟! آیا آبادانی دیگر شهرهای دنیا، علت دیگری جز وجود و آبادانی مراکز جذاب آن‌ها دارد؟! پس اگر منتقدان واقعاً به فکر فقرا هستند، خودشان نیز باید کمک کنند تا این مراکز آبادتر شود.

ه) فرض کنید ساخت گنبد حرم شریف امام حسین علیه‌السلام با تمام طلاکاری‌هایش، حدود یکصد میلیون دلار (ذکر دلار برای محاسبهٔ ارزی است) هزینه داشته باشد که از هزینهٔ ساخت یک پاساژ در تهران کمتر است. این پاساژها با تعدادی مغازه و احیاناً مملو از اجناس ترکیه‌ای و چینی و کره‌ای، سالانه یک میلیون نفر را نیز جذب نمی‌کنند و اگر جذب کنند نیز (غالباً) دستاورد دیگری ندارند جز تحمیل هزینهٔ تجملاتی و انحطاط فرهنگی و رونق

بازار ترکیه، چین و کره. حال معترضانِ نگران برای فقرا، هزینه ساخت گنبد را به سالانه ده‌ها میلیون زائر و سالانه صدها میلیون دلار درآمد مستقیم و صدها میلیون دلار درآمد غیرمستقیم ناشی از سفر زائران، اقامت، تغذیه، خرید سوغات و ...، تقسیم کنند و بار فرهنگی، معنوی و اعتقادی این اماکن را نیز در نظر بگیرند. حال کدام‌یک از این‌ها باصرفه‌تر است و بیشتر سبب رونق اقتصادی می‌شود؟

(و) این حجم‌های تبلیغاتی علیه ساخت‌وساز حرم‌های شریف، آن هم در دوره‌ای که بیش از همه ادوار تاریخی نسبت به تخریب آن‌ها به بهانه شهرسازی یا حتی با انفجار و ... اقدام می‌شود، مقاصد و اهداف دیگری دارد. گریه کردن برای فقر و فقرای نیز بهانه و توجیه حمله و نیز پوششی است تا قصد و غرض اصلی مخفی بماند؛ وگرنه این معترضان، اگر هزاران برابر این هزینه‌ها صرف ساخت و آبادی مراکز فسق و فجور شود، نه تنها گله نخواهند کرد، بلکه مشتاقانه استقبال هم می‌کنند. چنان‌که می‌دانیم برای واردات لوازم آرایش و آن هم اغلب از نوع تقلبی، سالانه چند میلیارد دلار هزینه می‌شود!

پرسش ۲: آیا در منابع اهل سنت نیز «توسل» مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است؟ حجت و دلیل عقلی، و استنادی از قرآن کریم و روایات مورد قبول برادران اهل سنت می‌خواهم.

پاسخ: در مورد «توسل»، با توجه به اهمیت آن از یک سو و هجمه شدید تبلیغاتی از سوی دیگر، لازم است پاسخی تفصیلی و تحلیلی به این سؤال فوق داده شود. این پاسخ در چند محور قابل طرح است:

### الف) دلیل عقلی

انسان ذاتاً فقیر و محتاج به غیر است؛ چراکه هستی عین ذات او نیست؛

چنان‌که خداوند متعال در کلام وحی فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾؛<sup>۱</sup> «ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است».

بدیهی است که تا انسان فقیر است (که همیشه هست و خواهد بود)، برای دستیابی به کمال، هیچ راهی ندارد جز توسل به وسایل مورد نیاز؛ خواه وسایل مادی و خواه وسایل معنوی.

انسان بدون توسل به وسایل، حتی یک نفس هم نمی‌تواند بکشد و جرعه‌ای آب نیز نمی‌تواند بنوشد و یک کلمه حرف هم نمی‌تواند یاد بگیرد یا بگوید و...؛ پس چرا وقتی نوبت به دین‌داری و هدایت می‌رسد، گمان می‌کند که می‌تواند بدون توسل به وسیله، گامی بردارد؟! کدام فیض الهی (اعم از مادی و معنوی)، بدون واسطه نازل شده و رسیده است که کسی گمان کند بدون واسطه می‌تواند کسب فیض کند؟!

### ب) سند قرآنی

همه آیاتی که در قرآن به ولایت‌پذیری، اطاعت و تبعیت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، اسوه و الگو قرار دادن او، ... و دستورات مؤکد ایشان به ولایت و امامت و تأسی به معصومین علیهم‌السلام و ...، تصریح دارند، دلیل بر ضرورت اجتناب‌ناپذیر «توسل» هستند؛ چراکه هیچ‌یک از خود این موارد، هدف نیستند و هدف فقط و فقط الله جلّ جلاله است؛ و این‌ها همه، وسیله کمال و قرب و رضایت الهی‌اند. در عین حال، خداوند متعال به توسل تصریح نیز فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ»؛<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و به سوی او توسل جوید (وسیلهٔ تقرب جوید) و در راهش جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید».

دقت شود که این دستور به مؤمنان است؛ چراکه هدف غایی مؤمنان قرب به خداوند متعال است و او فرمود برای تحقق این هدف، وسیله‌ای بجوید.

### ج) مستندات نقلی در منابع اهل سنت

بدیهی است که مستندات نقلی در منابع اهل سنت نمی‌تواند به تنهایی دلیل بر درستی یا نادرستی موضوع و مطلبی باشد و حتی درستی احادیث منقول در این منابع نیز وقتی به اثبات می‌رسد که با احادیث و روایات منقول از اهل عصمت علیهم‌السلام در منابع معتبر شیعی انطباق داشته باشد. از این رو، اگر در این جا به اقوالی در منابع اهل سنت اشاره می‌شود، برای این است که برادران و خواهران اهل سنت بدانند که طبق مذاهب آنان نیز «توسل» ممدوح است. چند نمونه از منابع بسیار معتبر اهل سنت:

۱. امام احمد، ترمذی و حاکم روایت کرده‌اند (حاکم آن را به شرط بخاری صحیح دانسته است) ابن حزیمه، طبرانی، ابن ندی، منذری و ابن ماجه از عثمان بن حنیف روایت کرده‌اند: «مردی نابینا به محضر حضرت پیامبر مشرف شد و عرض کرد: یا رسول‌الله! از خدا بخواه که بینایی‌ام را برگرداند. پیامبر فرمود: آیا نمی‌خواهی به همان حال رهایت کنم؟ (یعنی به آنچه خداوند برایت مقدر کرده، راضی نیستی؟) عرض کرد: یا رسول‌الله! نابینایی من را دچار مشقت کرده است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: برو وضو بگیر؛ سپس دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن

بگو: خداوندا! از تو می‌خواهم و به بارگاه تو رو آورده‌ام با توسل به پیامبر رحمت، محمدا! من به پروردگارم رو آورده‌ام به واسطه تو که بینایی‌ام را برگرداند. خداوندا! او را شفیع من قرار داده و خودم را نیز شفیعم قرار بده. خداوند هم در اثر توسل او به حضرت رسول الله ﷺ بینایی او را برگرداند.»<sup>۱</sup>

۲. بخاری از انس روایت نموده، در زمان خلافت خلیفه دوم در مدینه خشکسالی آمد و ایشان به عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر ﷺ متوسل شد و چنین گفت: «خداوندا! همانا در گذشته به واسطه پیامبرمان به تو توسل می‌کردیم، پس ما را سیراب می‌کردی؛ و اینک همانا به تو متوسل می‌شویم به واسطه عموی پیامبرمان، ما را با آب باران سیراب فرما. راوی می‌گوید: پس خداوند باران نازل نموده و مردم سیراب شدند.»<sup>۲</sup>

۳. جالب آن‌که بدانید اهل سنت حتی به قبور اهل بیت علیهم السلام و قبور علمای خود نیز توسل دارند:

\* ابن حبان در کتاب الثقات می‌گوید بارها به زیارت قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتم و در مدتی که در طوس بودم، هر وقت مشکلی بر من عارض می‌شد، به زیارت قبر آن حضرت می‌رفتم و از خداوند می‌خواستم مشکلم را برطرف کند؛ و الحمدلله مشکلم برطرف می‌شد و این را مکرر امتحان کردم و نتیجه گرفتم.<sup>۳</sup>

\* ابوعلی خلال، شیخ حنابله، می‌گوید هرگاه مشکلی بر من عارض شود، قبر موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت می‌کنم و به ایشان متوسل می‌شوم و خداوند

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۵۸، ۷۰۰ و ۷۰۷.

۲. بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۷؛ و ج ۵، ص ۲۰.

۳. ابن حبان، الثقات، ج ۸، ص ۴۵۶.



مشکل مرا آسان می‌کند.<sup>۱</sup>

\* محمد بن ادریس شافعی به قبر ابوحنیفه، و احمد بن حنبل به قبر شافعی متوسل می‌شد.<sup>۲</sup>

\* قسطلانی می‌گوید سزاوار است که زائر در کنار قبر پیامبر ﷺ زیاد دعا و استغاثه کند و متوسل شود و طلب شفاعت و بی‌تابی کند و سزاوار است که خداوند شفاعت پیامبر را در حق او بپذیرد.<sup>۳</sup>

پرسش ۳: آیا پس از شهادت امام حسین علیه السلام، سپاهیان یزید مقنعه‌های زنان را کشیدند و سر آن‌ها را برهنه کردند؟

پاسخ: بر پایه منابع روایی و مقاتل معتبر و قابل استناد، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، سپاهیان عمر بن سعد به خیمه‌های اهل بیت حمله کردند و به غارت اموال پرداختند. زنان و کودکان در صحرا پراکنده شدند؛ گریان و داغدار و صیحه‌زنان و استغاثه‌کنان. پس از آن خیمه‌ها را آتش زدند. لباس رویین زنان را کشیدند؛ زیورآلات آنان را به غارت بردند؛ انگشتر از انگشت‌ها بیرون آوردند و گوشواره از گوش‌ها و خلخال از پاها. آنان کار را به جایی رساندند که گاه برای بردن چادر و جامه زنان و کودکان، با آنان به کشمکش می‌پرداختند، تا هر چه آنان داشتند را به یغما برند.

سپاهیان عمر بن سعد، با این کارها حریم اهل بیت را مراعات نکردند، به گونه‌ای که زنان به عمر بن سعد پناهنده شدند و از شدت جنایتکاری شمر و گروه نابکارش شکایت کردند و عمر بن سعد به ظاهر، دستور داد که از غارت

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۱۲۵.

۳. قسطلانی، المواهب اللدنیه، ج ۳، ص ۶۰۴.

خیمه‌ها دست بردارند.

اینک برای نمونه، متن‌هایی را که درباره تاراج کردن خیمه‌ها و غارت اموال زنان در روز عاشورا نقل شده، می‌آوریم:

۱. تاریخ طبری و کامل ابن‌اثیر: مردم به سوی سُرخاب و لباس‌های گران‌بها و شتران رفتند و آن‌ها را تاراج کردند. مردم به سوی حسین علیه السلام و اثاث و وسایل کاروان، هجوم آوردند و حتی برای گرفتن لباس روی زنان نیز با آن‌ها درگیر می‌شدند و چون چیره می‌شدند، آن را می‌بردند.<sup>۱</sup>

۲. انساب الاشراف: مردم به سوی سُرخاب و جامه‌های گران‌بها و شتران رفتند و آن‌ها را به تاراج بردند. رُحَیل بن زُهَیر جُعفی، جریر بن مسعود حضرمی و اُسَید بن مالک حَضْرَمی، بیشتر این جامه‌ها را بردند و ابوالجَنُوب جُعفی، شتری را برد که با آن، آب می‌کشید و نامش را حسین نهاده بود! ... مردم، چادرهای زنان را از روی آنان می‌کشیدند که عمر بن سعد، آنان را از این کار، منع کرد و آنان دست برداشتند.<sup>۲</sup>

۳. البدایة و النهایة به نقل از حمید بن مسلم: مردم، همه اموال نقد و غیرنقد حسین علیه السلام را میان خود، تقسیم کردند، حتی آنچه را در خیمه بود و لباس‌های تمیز [یا روپین] زنان را.<sup>۳</sup>

۴. سیر أعلام النبلاء: اثاثیه حسین علیه السلام را به تاراج بردند. مردی زیور فاطمه علیها السلام دختر حسین علیه السلام را گرفت و گریست!

فاطمه علیها السلام پرسید: چرا گریه می‌کنی!؟

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۵، ص ۴۵۳؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۷۹.

۲. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰۴.

۳. ابن‌کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۱۸۸.

گفت: دارایی دختر پیامبر خدا را به تاراج ببرم و گریه نکنم؟!

فاطمه علیها السلام گفت: پس آن را رها کن!

گفت: می ترسم فرد دیگری آن را بردارد!

۵. الامالی شیخ صدوق به نقل از فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام:

«اراذل و اوباش، به خیمه ما وارد شدند. من که دختری خردسال بودم، دو خلخال طلا بر پاهایم داشتم. مردی خلخالها را از پاهایم بیرون می کشید و می گریست.

گفتم: چرا گریه می کنی، ای دشمن خدا؟!

گفت: چگونه نگریم، در حالی که زیور دختر پیامبر خدا را بر می دارم؟!

گفتم: «برندار!»

گفت: می ترسم کسی جز من بیاید و آن را بردارد!

آنان آنچه را که در خیمه های برپاشده، به چشم می خورد، به تاراج بردند و حتی روپوش هایی را که خود را با آنها پوشانده بودیم، از رویمان کشیدند و بردند.<sup>۲</sup>

۶. اللهوف: مردم در تاراج خیمه های خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و نور چشم زهرای

بتول، بر هم پیشی جستند، تا آن جا که روپوش زنان را نیز از رویشان کشیدند.

دختران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و زنان امام حسین علیه السلام از خیمه ها بیرون آمدند و با هم به گریه و زاری پرداختند و در فراق حامیان و دوستدارانشان، ناله سر دادند.

حمید بن مسلم گفته است: دیدم که زنی از بنی بکر بن وائل، همراه

همسرش، میان یاران عمر بن سعد بود و هنگامی که دید مردم به زنان حسین علیه السلام

۱. محمد بن احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۳.

۲. شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۶۴.

در خیمه‌هایشان هجوم برده‌اند و اموال آنان را برمی‌دارند، او نیز شمشیری گرفت و به سوی خیمه‌ها آمد و گفت:

«ای خاندان بکر بن وائل! آیا اموال دختران پیامبر خدا تاراج می‌شود [و شما کاری نمی‌کنید]؟! حکومت، جز از آن خدا نیست. برای خونخواهی پیامبر خدا [به پا خیزید]!»، ولی همسرش جلوی او را گرفت و او را به جایگاهش بازگرداند.<sup>۱</sup>

دختری از سوی خیمه‌های حسین علیه السلام آمد و مردی به او گفت: ای بنده خدا! سرورت کشته شد. دخترک گفت: صیحه‌زنان، به سوی بانوانم دویدم و آنان نیز روبه رویم ایستادند و فریاد کشیدند ...

راوی می‌گوید: آن‌گاه، زنان را از خیمه‌ها بیرون راندند و خیمه‌ها را آتش زدند. زنان، سر و پا برهنه و غارت‌شده و گریان، بیرون دویدند و همچون اسیران دربند، راه سپردند.<sup>۲</sup>

۷. مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی: دشمنان پیش آمدند تا به گرد خیمه‌ها حلقه زدند. شمر بن ذی‌الجوشن نیز با آن‌ها بود. او گفت: به درون خیمه‌ها بروید و جامه‌ها و متاعشان را بگیرید.

مردم، وارد شدند و هر چه در خیمه‌ها بود، برداشتند، تا جایی که گوشوارهٔ ام کلثوم، خواهر حسین علیه السلام را هم گرفتند و گوشش را دریدند. حتی جامهٔ رویین زنان را به زور می‌کشیدند و می‌بردند.<sup>۳</sup>

۸. المناقب ابن شهر آشوب: شمر متوجه خیمه‌ها شد و آنچه را یافتند، تاراج

۱. ابن طاوس، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۱۳۱-۱۳۲.

۲. همان.

۳. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۴۳.

کردند و حتی گوش ام کلثوم برای [بردن] گوشواره‌ای، پاره شد.<sup>۱</sup>

۹. الإرشاد شیخ مفید به نقل از حمید بن مسلم: به خدا سوگند، می‌دیدم که با زنی از همسران و دختران و خاندان امام حسین علیه السلام درگیر می‌شوند و لباسش را از رویش می‌کشند و چون چیره می‌شوند، آن را می‌برند.<sup>۲</sup>

تذکر:

درباره این دسته از روایات باید به چند نکته توجه کرد تا پاسخ روشن شود:

الف) در متن عربی بیشتر این روایات، عباراتی مانند «جَادَبُوا النَّسَاءَ مَلَا حِفْهِنَّ عَن ظُهُورِهِنَّ»، «يَنْتَزِعُونَ الْمَلَا حِفَّ عَن ظُهُورِنَا»، «يَنْتَزِعُونَ مِلْحَفَةَ الْمَرْأَةِ عَن ظَهْرِهَا» و «تَنْزَاعُ ثَوْبِهَا عَلَي ظَهْرِهَا» آمده است. این عبارات - با توجه به معنای ملحفه<sup>۳</sup> - به معنای برهنه شدن و نمایان شدن موها و بدن زنان نیست، بلکه چون زنان آن موقع علاوه بر رواندازهایی شبیه چادر، لباس زیرین دیگری نیز داشتند که موی سر و بدن را می‌پوشاند، و سپاه دشمن تنها لباس رویین آن‌ها را به غارت بردند؛ و این به معنای رفع حجاب و پوشش آن‌ها نیست.

عبارت «فَخَرَجَنَ حَوَاسِرَ مُسَلَّبَاتٍ حَافِيَاتٍ» در لَهوف سید ابن طاووس نیز به معنای عریان شدن و پیدا بودن موی زنان نیست، بلکه به معنای برهنه بودن از لباس رویین است. همچنین این که در برخی مقاتل، عبارت «تُسَلَّبُ الْمَرْأَةُ مِفْنَعَتُهَا مِنْ رَأْسِهَا»<sup>۴</sup> آمده است، باز نمی‌توان گفت که روسری آن‌ها به طور کل

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۱۲.

۲. شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۳. در کتاب‌های لغت عربی و فارسی، ملحفه به این معنای آمده است: چادر، روانداز، ملافه، روپوش لباس. ر.ک: دهخدا، لغت‌نامه، واژه «ملحفه»؛ فواد افرام بستانی، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، ص ۸۵۹، ازهری، تهذیب اللغة، ج ۵، ص ۴۶؛ «اللِّحَافُ وَ الْمِلْحَفُ وَ الْمِلْحَقَةُ: اللِّبَاسُ الَّذِي فَوْقَ سَائِرِ اللِّبَاسِ»؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۱۴.

۴. ابن نما حلّی، مشیر الأحزان، ص ۷۶.

برداشته شد، به گونه‌ای که تمام موها معلوم بود.

ب) بر فرض بپذیریم که مقداری یا برای لحظاتی همه موهای آن‌ها پیدا شده باشد، این موضوع با شأن اهل بیت و غیرت خداوند منافاتی ندارد؛ زیرا آن نوع از بی‌حجابی مذموم است که از روی اختیار باشد، نه اجبار؛ وگرنه اهل حرم، یعنی مجموعه زنانی که همراه امام حسین علیه السلام در کربلا بودند، اصرار زیادی بر حفظ حجاب خویش در برابر نامحرمان داشتند و هیچ‌گاه از پوشش و حجاب غافل نمی‌شدند